

نقدی بر کتاب کیسانیه (تاریخ، ادبیات)

علی اکبر عباسی*

چکیده

موضوع این مقاله نقد و بررسی آراء و داد القاضی مولف کتاب کیسانیه درباره آن مذهب است که به روش توصیفی - تحلیلی و با استناد به منابع انجام گرفته است. با توجه به تسلط و داد القاضیبر ادبیات عرب وی به خوبی از عهده استفاده از منابع متقدم عربی و اسناد خطی مربوط به موضوع برآمده است. مولف از اشعار شاعران کیسانی و هم از دیدگاه‌های و ردیه‌های مخالفان آنان برای تحلیل نقاط تاریک تاریخ کیسانیه بیشترین بهره را برده و به خلاقیت‌های مهمی دست یافته است، اما با وجود این برای بررسی نقاط مبهم تحولات مربوط به کیسانیان گمان‌هایی در اثرش را مطرح کرده است که برخی از آنها با شواهد تاریخی همخوانی ندارد. مولف عبدالله بن سبا را که محققان درباره وجود تاریخی وی تردید جدی دارند واقعیت تاریخی دانسته و در موارد بسیاری اقدامات سبئی را محور بحثش قرار داده است وی سخنان علی(ع) درباره فرزندش محمد را هم جامع مورد بررسی قرار نداده است. همچنین مولف برخی اقدامات غالیان پس از مختار را به خود وی نسبت داده است و دادالقاضی در بحث از تطور مفهوم رجعت و غیبت، از کنکاش آیات قرآنی و روایات نبوی در این باره غفلت ورزیده است.

کلیدواژه‌ها: و داد القاضی، کیسانیه، مختار، محمد بن حنفیه، عبدالله بن سبا.

۱. مقدمه

نقد کتاب و نقد آراء و آثار دانشمندان و محققان می‌تواند به غنای علمی آثار آنان کمک کند در واقع هر محقق با وجود تلاش فراوان و رنجی را که متحمل می‌شود تا یک اثر ارزنده علمی را تولید کند، نمی‌تواند ادعا کند که کار تالیفی و تحقیقی وی بی‌نقص و

* استادیار گروه تاریخ دانشگاه اصفهان. Aa_abbasi_z@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۴/۱۳، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۷/۲

عیب است در پرتو عقل جمعی و پس از نشر اثر تحقیقی و نقد آن و مطرح شدن برداشت‌های دیگران از متون متقدم جدا از آنچه مولف درباره موضوع تحقیق بدان رسیده، ارزیابی درست اثر علمی نمایان می‌شود. با نقد صحیح و اصولی، یک اثر علمی می‌تواند پربارتر شود با عیان شدن نقاط ضعف و مثبت یک اثر از نگاه ناقدان زمینه پژوهش و تدبیر بیشتر در موضوع مورد تحقیق در مخاطبان و خوانندگان هم ایجاد می‌شود.

کتاب «الکیسانیه فی التاریخ» اثر و دادالقاضی تالیفی ارزشمند در زمینه کیسانیه است که در کنار سایر آثاری دانشگاهی که با دیدهای متفاوت درباره کیسانیه نوشته شده، توانسته است ابهامات زیادی را درباره کیسانیه و فرقه‌ها و گروه‌های منتسب بدان روشن کند. محقق با شیوه‌ای دانشگاهی و استدلالی و با بهره‌گیری از متون مختلف تاریخی و ادبی و همچنین بررسی مقالات و آثار مستشرقان معاصر در این زمینه توانسته است سیر منطقی تاریخی تحولات فرقه کیسانیه در قرون نخستین را بررسی و تجزیه و تحلیل نماید.

آنچه در این مقاله درباره ارزیابی اثر مذکور و بیان کاستی‌های آن مطرح شده است به هیچ وجه به منزله زیر سوال بردن مولف و یا کاستن از ارزش علمی اثر علمی وزین مولف نیست بلکه توجه به این نکته است که هر اثر علمی می‌تواند نقائصی داشته باشد و تلاش ناقد بر آن است که با دیدگاهی علمی و بدون از موضع‌گیری، برخی کاستی‌های کتاب را روشن سازد. در این مختصر ابتدا معرفی کلی اثر و سپس جایگاه و شان علمی مولف و در نهایت بخش اصلی مقاله که ارزیابی کتاب مولف هست می‌پردازیم.

۲. معرفی کلی اثر

مولف کتابش را در شش فصل تنظیم کرده است فصل اول به نقد و بررسی منابع اختصاص داده شده است و در صدر همه منابع آثار باقی مانده از خود کیسانیه‌ها را مطرح و در باره آن توضیح می‌دهد. آنچه را هم برخی مخالفان کیسانیه در زمانهایی بسیار دور بدانان نسبت داده‌اند، رد می‌کند، و دادالقاضی در مورد یکی از این نوع کتابها می‌نویسد؛ «... آنچه ابومحمد یمنی... و غلام حلیم پسر شیخ قطب الدین دهلوی... به آنان نسبت داده‌اند چیزی جز قیاس باطل با پیروان دیگر فرقه‌ها نبوده است...» (وداد القاضی، ۱۳۹۵: ۱۷) وی در همان ابتدای فصل تاکید می‌کند که آنچه از خود

کیسانی‌ها باقی مانده تنها چند قطعه شعر است و از این اشعار که از آن کثیر عزه و سید حمیری هست نهایت بهره را برده و مخصوصاً در فصل آخر کتاب مفصل به اشعار این دو نفر استناد کرده است. سایر منابع را به دو دسته کلی منابع اول آثار فرقه نگاری و دوم آثار تاریخی و شرح حال تقسیم نموده است. مولف در شرح، نقد و ارزیابی و مقایسه‌ی مطالبی که این منابع درباره کیسانیه دارند نکات ارزنده‌ای را گوشزد می‌کند و منابعی که مطالب ارزنده، بدیع و یا اقلاً نکته‌هایی قابل توجه درباره کیسانیه دارند را در این بخش فهرست کرده است و در این لیست از آوردن نام منابعی که مطلب تازه‌ای ندارند و فقط از مطالب متقدم‌ترها استفاده کرده‌اند خودداری کرده است. در شرح و ارزیابی مطالب و رخدادهای مربوط به کیسانیه در آثار تاریخی و شرح حال نیز این قاعده رعایت شده است و داد القاضی در پایان ذکر آثار فرقه نگاری، از ده اثری که چاپ نشده‌اند و به صورت نسخه خطی وجود دارند و حاوی اطلاعاتی هر چند اندک درباره کیسانیه هستند و مورد استفاده وی واقع شده‌اند نیز یاد کرده است. او خود تأکید می‌کند که موسسه تبادل آکادمیک آلمان (DAAD) شرایط را برای تحصیل یکساله‌اش در دانشگاه توپینگن آلمان و استفاده از نسخ خطی برلین و استانبول فراهم کرده است (مقدمه مولف) مولف در پایان بخش دوم فصل اول درباره منابع متقدم حدیثی امامی و یک منبع کلامی اسماعیلیه که در تقسیم بندی وی جای نگرفته‌اند و اطلاعات خوبی درباره کیسانیان دارند در حدپانزده خط توضیحاتی را ارائه کرده است (داد القاضی، ۱۳۹۵: صص ۳۹-۴۰). در مجموع مولف درباره ویژگی‌های منابع اظهارنظرهای بعضاً عالمانه‌ای کرده است.

با توجه به اهمیت قیام مختار در مذهب کیسانیه و داد القاضی فصل دوم کتابش را به بررسی نهضت و قیام مختار و ارتباط کیسانیان با مختار، تفاوت‌های مختاریه و کیسانیه و مرزبندی‌های کیسانیه پرداخته است و در این فصل ابتدا سالشمار حوادث مربوط به زندگی مختار را ذکر کرده است پس از آن درباره محدوده زمانی و جغرافیایی حکومت او توضیحاتی را ارائه کرده است و داد القاضی درباره رابطه کیسانیان و مختار و وجه تسمیه لقب کیسان توضیحاتی را در این فصل ارائه داده است و تأکید دارد که بسیاری از عقاید کیسانیه پس از مختار و توسط کیسان شکل گرفته و اصطلاح کیسانیه به معنای واقعی به برخی از طرفداران و یاران مختار که پس از کشته شدن او از کیسان و اندیشه‌های او تبعیت کردند، اطلاق می‌شود. عقاید یاران مختار که در برخی منابع با نام مختاریه یاد شده‌اند را تا حدودی متفاوت از کیسانیه می‌داند که در دوره‌های بعد تطور

زیادی یافتند در این فصل مولف از ویژگیهای محمد بن حنفیه و دلیل این که مختار از امامت او و مهدی خواندن وی یاد کرد سخن گفته و فراز و نشیب روابط مختار با محمد حنفیه را نسبتاً با تفصیل یاد کرده است. ارتباط مختار با انواع گرایش‌های شیعی در کوفه و تفاوت‌های قیام او با توابین و توجه به برنامه‌های اقتصادی و اجتماعی در کوفه از دیگر موارد مطرح شده در این فصل است.

فصل سوم حاوی حوادث مربوط به کیسانیه پس از سرکوب قیام مختار تا وفات ابوهاشم عبدالله در آخر قرن اول هجری هست. در بررسی این دوران و داد القاضی بر دو نکته تأکید کرده است؛ اتفاقات سیاسی و رخداد‌های حکومتی که بر سرنوشت کیسانیه تأثیرگذار بوده و تلاش‌های کیسانیان برای عملی کردن برنامه‌های حکومتی‌اشان و دیگر دگرگونی‌ها و تغییر و تبدیل‌ها در اندیشه مذهبی گروه‌های مختلف کیسانی که ایده‌های جدید و نادری را در مجموعه شاخه‌های مذهب کیسانی ایجاد نمودند. او در این فصل تأکید می‌کند که هواخواهان امامت محمد حنفیه و بقایای مختاریه پس از شکست در نصیبین از نیروهای عبدالملک مروان به کوفه و نزد هم‌مذهبان‌شان که اینک رئیس‌شان کیسان بود، برگشتند و بر این اساس می‌توان از اینجا به بعد از فرقه‌ای به نام کیسانیه سخن گفت (وداد القاضی، ص ۱۲۴) و در ادامه و در همین فصل تأکید دارد که در سال ۸۱ محمد حنفیه از دنیا رفت و مرگ او می‌توانست شکستی بزرگ برای کیسانیه باشد. او در ادامه می‌نویسد: «...بی‌شک کسانی که مرگ او را پذیرفتند به این شکست تن دادند و دیگر پس از آن کیسانیه شمرده نمی‌شدند در ادامه پژوهش نیز به آنان نخواهیم پرداخت» (همان، ۱۳۵).

تحولات کیسانیه پس از قرن نخست که دوران شکاف، تجزیه و انقراض است در فصل چهارم جای گرفته است. در واقع دلایلی که باعث شد کیسانیان محبوبیت و موقعیت خویش را از دست بدهند و جایگاه مهمی در قرن دوم در بین شیعیان نداشته باشند به خوبی در این فصل تبیین شده است مولف بر فرقه‌گرایی و نفوذ اندیشه‌های غالبانه تأکید بسیار دارد و می‌نویسد با توجه به زمینه‌ها و شرایطی که در بطن کیسانیه از همان ابتدا وجود داشت این مذهب با شتاب زیاد دارای اندیشه‌های غالبانه شد و طبیعتاً با این اندیشه‌های تندروانه نفوذ و موقعیت خویش را در بین مسلمانان و دیگر شیعیان از دست داد. مولف کسانی از کیسانیه‌ها که به دیگر گروه‌ها از جمله خاندان عباسی پیوستند را کیسانی نمی‌داند و با این تعریف محدوده کیسانی‌ها و شمار آنها پس از سال صد هجری به شدت کاهش می‌یابد.

در فصل پنجم به بررسی و تحلیل رابطه کیسانیه با دیگر گروههای شیعه پرداخته شده است ابتدا مناسبات امامیه و کیسانیه مورد توجه مولف قرار گرفته و صفحات نسبتاً بیشتری بدان اختصاص داده شده است به زعم مولف بنا به دلایلی امامیه انگیزه بیشتری برای اقدام بر ضد کیسانی‌ها و جعل روایت به نفع خودشان در تعامل با آنان داشتند پس از آن و داد القاضی به تعامل اسماعیلیان و کیسانیان نیز توجه کرده است صفحات محدودتر و پایانی این فصل نیز به رابطه کیسانیه با زیدیه و معتزله اختصاص داده شده است.

فصل آخر و پایانی کتاب تحت عنوان «کیسانیه و ادبیات» مولف از سه شاعر کیسانی به نامهای ابوظفیل عامر بن وائله کنانی، کثیر عزه و سید حمیری نام برده و اشعارشان را به تفصیل مورد نقد و ارزیابی قرار داده است. در بین این سه نفر هم مولف بیشتر از همه درباره اشعار سید کنکاش کرده که به قول وی در اشعار وی «سره و ناسره بسیار در هم پیچیده» (ودادالقاضی، ۱۳۹۵: ۲۶۱) مولف معتقد است ۲۱۱ قصیده منسوب به سید حمیری دارای چهار نوع گرایش مذهبی اعم از تشیع عام، کیسانی، مدح بنی عباس و امامی هست. و داد القاضی معتقد است اشعار امامی سید عمدتاً بر ساخته دست امامیان در قرون بعد است و در زمانی که کیسانیه وجود خارجی نداشته اند بزرگان امامی برای تقویت مذهب خویش و خط بطلان کشیدن بر اندیشه‌های کیسانی این اشعار را ساخته و به سید حمیری نسبت داده‌اند. مولف از جهات مختلف این اشعار را مورد نقد و ارزیابی ادبی، تاریخی و مذهبی قرار داده است حاصل و نتیجه کار مولف هم در پایان کتاب در شش صفحه ذکر شده است.

۳. درباره نویسنده (نقد و تحلیل خاستگاه اثر)

مولف کتاب کیسانیه متخصص در ادبیات عربی و مطالعات اسلامی است او علاقمند به رشته ادبیات عرب بوده و به همین دلیل هر سه مقطع تحصیلی دانشگاهی^۱ خویش را در این زمینه ادامه داده است عرب بودن وی و تولد و زندگی در لبنان و ادامه تحصیل در دانشگاه آمریکایی بیروت هم در غنای تخصص وی بی‌تاثیر نبوده است کتاب حاضر در واقع پایان نامه دکتری مولف تحت عنوان «الکیسانیه فی التاریخ» هست که در سال ۱۹۷۳ (۱۳۷۲ ش) با موفقیت دفاع شده است. همین موضوع باعث شده است که بخشی از پایان نامه دکتری مستقیماً مربوط به کیسانیه و ادبیات باشد و بخش‌های دیگر ترش نیز بی‌تاثیر از متون ادبی اعم از نظم و نثر نباشد. سایر آثار مهم نویسنده تصحیح

متون ادبی قرون نخستین اسلامی از قبیل «تصحیح الاشارات الیه» ابوحیان توحیدی، «تصحیح البصائر و الذخائر» همان نویسنده می‌باشد سایر تالیفات مولف هم به نوعی مربوط به ادب عربی می‌شود از قبیل «مختارات من النثر العربی» و همچنین کتاب «الرویا و العبارة». و داد القاضی از سال ۱۹۸۸ (۱۳۶۷ش) به دانشگاه شیکاگو منتقل شده و تا زمان بازنشستگی در آن دانشگاه مشغول تدریس بوده است. شخصیت علمی و داد القاضی باعث شده تا برخی از دانشگاه‌های معتبر جهان از وی درخواست همکاری داشته باشند. دانشگاه‌های هاروارد، ییل و کلمبیا از جمله دانشگاه‌هایی هستند که وی در آنها به تدریس پرداخته است. با توجه به تبحر و داد القاضی در ادبیات عرب و تسلط وی به زبان انگلیسی و آشنایی وی با واژگان مطالعات اسلامی وی سر ویراستار مراکز علمی مهمی مثل مجموعه کتابهای «تاریخ و تمدن اسلامی» است که زیر نظر انتشارات معتبر بریل در هلند منتشر می‌شود و همین سمت را برای «دائرة المعارف قرآن» در سالهای ۱۹۹۶ تا ۲۰۰۵ (۱۳۷۵-۱۳۸۴ش) میلادی بر عهده داشته است. وی هم اکنون نیز عضو شورای علمی ویراست سوم «دائرة المعارف اسلام» در لیدن هلند و «دائرة المعارف اندیشه سیاسی اسلامی» در دانشگاه پرینستون آمریکا می‌باشد.

۴. ارزیابی کتاب

در این بخش از مقاله، نکات مثبت و منفی کتاب کیسانیه را از جهات مختلف مورد بررسی و ارزیابی قرار می‌دهیم و به این سوال پاسخ می‌دهیم این کتاب تا چه حدی توانسته ابهامات درباره کیسانیه را برطرف کند و آیا مولف با توجه به محدودیت اسناد و منابع دست اول بهتر از این نمی‌توانسته درباره کیسانیان به کاوش بپردازد؟ لغزش‌ها و نتیجه‌گیری‌های غلط و یا حدس و گمان‌های اشتباه و برداشت‌های نامناسب در چه حدی است؟ آیا مولف تحت تاثیر اخبار ساختگی و جعلی قرار گرفته است یا نه؟ مولف در بررسی انتقادی متون کهن تا چه حدی موفق عمل کرده است؟ پاسخ به این سوالات در دو بخش مزایا و معایب کتاب ارائه خواهد شد.

۴-۱. نقد شکلی اثر

برخی از ایرادهای شکلی در کتاب وجود دارد که به نظر می‌رسد سهوی است مثلاً عنوان فصل سوم «تطور کیسانیه پس از قیام مختار تا اوایل قرن نخست» صحیح نیست و باید تا اوایل قرن دوم باشد. مولف در فصل پنجم و در بحث از «کیسانیه و دیگر

فرقه‌ها» سال ۲۶۸ ه.ق را سال وفات امام یازدهم امامیه ذکر کرده (وداد القاضی ، ۱۳۹۵: ۲۲۳) و آن سال را شروع غیبت صغری از منظر امامیان دانسته است در حالی که بنا بر مشهور و بر اساس منابع متعدد (مفید ، بی تا : ۲ / ۳۲۱ ؛ قمی ، ۱۳۶۱: ۲۰۵ ؛ مسعودی ، ۱۴۰۹: ۱۱۲ / ۴) سال شهادت امام عسکری (ع) و آغاز امامت امام زمان و شروع غیبت صغری ۲۶۰ ه.ق می‌باشد. مولف در تقسیم بندی کیسانیان به گروههای مختلف پس از وفات ابوهاشم عبدالله از طرفداران عبدالله به معاویه هم یاد نموده ولی نام پدر بزرگش را جعفر بن ابی طالب ذکر کرده است (وداد القاضی ، ۱۳۹۵: ۱۷۳) در حالی که پدر بزرگ عبدالله بن معاویه ، عبدالله بن جعفر بوده است. و داد القاضی می‌نویسد: «چون ابوهاشم فرزندی نداشت» (همان ، ۱۷۴) وی در فصلی دیگر هم همین ادعا را تکرار می‌کند: «... عبدالله بن محمد بن حنفیه بی‌هیچ فرزندی از دنیا رفت ...» (همان ، ۲۴۰) در حالی ابوهاشم شش دختر داشت و فرزند پسری نداشت و یکبار از سوی خلیفه اموی با طعنه ابوالبنات مورد خطاب قرار گرفت (اخبار الدوله العباسیه ، ۱۳۹۱: ۱۷۷). در ص ۱۲۸ کتاب کلمه «اولی» به اشتباه «اولا» تایپ شده است و در صفحه ۲۳۸ پاراگراف سوم خط سیزدهم به جای کیسانیان ، کیسانیان تایپ شده است. سه خط بعد از آن هم ضمن صحبت از اقدامات عبدالله بن معاویه می‌نویسد: «... در آن مذهب تبخر یافت و توطید آن را وضع نهاد ...» که کلمه «توطید» بی معنی به نظر می‌رسد. در نتیجه کتاب تحت عنوان «فرجام سخن» و در ص ۳۰۳ سطر آخر پاراگراف دوم به جای «ندارد» واژه « نداشت» باید گنجانده شود و در ص ۳۰۴ سطر پنجم واژه «مدعیات» باید با کلمه « مدعیان» جایگزین شود. ضمن این که حروف چینی و صفحه آرایی کتاب در ترجمه فارسی عالی است ، طرح جلد ناشر (واقعه کربلا اثر عباس الموسوی) - چاپ ترجمه کتاب - برای موضوع کیسانیه مناسب نیست و بهتر است در چاپهای بعدی کتاب با طرح جلدی مناسب عوض شود. ترجمه احسان موسوی خلخالی از کتاب کیسانیه و داد القاضی روان و عالی است و مترجم به نحو احسن از عهده ترجمه برآمده و اصطلاحات مناسبی را برای ترجمه برگزیده است در موارد نادری واژگان به شکل غیر متعارف آن به کار رفته است مثل واژه «حتی» که در جای جای کتاب به شکل «حتا» آمده است. مترجم برای انجام ترجمه صحیح نهایت تلاش خویش را انجام داده و در مواردی برای ترجمه دقیق‌تر از خود مولف کمک و راهنمایی خواسته است (وداد القاضی ، ص ۱۶ و ص ۲۶۹)

۴-۲. نقد محتوایی

کتاب کیسانیه اثر و داد القاضی از پژوهش‌های مهم درباره این فرقه و انشعابهای آن است که توسط محققى دانشگاهی و با حوصله نوشته شده است در زیر ابتدا به اهم مزایای این پژوهش ارزشمند اشاره‌ای می‌شود.

۴-۲-۱. استفاده از گونه‌های متعدد منابع چاپی و نسخ خطی

مؤلف کتاب کیسانیه تلاش زیادی انجام داده است که پاسخی منطقی و مستدل برای بسیاری از مجهولات درباره کیسانیه ارائه کند و در موارد زیادی هم موفق بوده است و داد القاضی تقریباً تمام اسناد و منابع کهن را که درباره کیسانیه مطلبی داشته‌اند مورد ملاحظه قرار داده و از خلال بررسی و مقایسه آنان و تدقیق شدن در گزارش‌های تاریخی به نکات نو و تازه رسیده است. امتیازات و خلاقیت‌های منابع و نقص‌هایشان را به خوبی نمایان ساخته است. مؤلف سعی در بررسی و واکاوی منابع داشته و از اشعار خود کیسانیان بیشترین بهره را برده و از منابع مورد استفاده کتب قرون نخستین اسلامی نیز یاد کرده و درباره صحت و سقم مطالبشان تحلیل‌های جالبی ارائه می‌کند او درباره رساله حسن بن محمد بن حنفیه درباره «ارجاء» می‌نویسد؛ «تنها منبعی است که می‌توانیم به کمک آن اطلاعاتی زمانمند در باره این فرقه [کیسانیه] بیابیم» (ودادالقاضی، ۱۳۹۵: ۱۸) مقایسه‌ای که درباره اطلاعات ارائه شده در دو کتاب «فرق الشیعه» نوبختی و «المقالات و الفرق» اشعری قمی درباره کیسانیه انجام داده نیز در نوع خودش جالب توجه است (وداد القاضی، ۱۳۹۵: صص ۱۸-۲۳). تسلط وی بر زبان و ادبیات عرب هم در ارائه تحلیل‌های تازه در این پژوهش بی‌تاثیر نبوده است. مبنای بحث او در این کتاب، تاریخی نیست بلکه امامت محمد حنفیه در دوره‌های مختلف و اعتقاد به مهدویت و زنده بودن او مبنای پژوهش و دادالقاضی درباره کیسانیه بوده است.

۴-۲-۲. رعایت اخلاق پژوهشی

یکی از نکات قابل توجه و مثبت در این پژوهش رعایت دقیق اخلاق پژوهشی مؤلف هست تمام ارجاعات مؤلف به منابع کهن و تحقیقات جدید درست و اصولی انجام شده است. مؤلف به هیچ وجه تحلیل‌های دیگران را به خود نسبت نمی‌دهد وی سعی کرده است از حاصل تحقیقات تمام محققان غربی و بعضاً شرقی که درباره کیسانیه

پژوهش‌هایی را انجام داده بهره ببرد و در مواردی نظرات دیگران را نقد و در مواردی ضمن تایید دیدگاههای محققان نکات و خلاقیت‌های جدیدی را به نظرات متقدمین اضافه می‌کند و این همه پژوهش وی را در دید محقق، قابل تحسین می‌سازد. از جمله محققانی که نظراتشان مورد استفاده و احیانا نقد و داد القاضی قرار گرفته می‌توان از فریدلندر، ناگل، فلوتن، مادلونگ^۲، مشکور، بلوشه و ولهاوزن نام برد. نقدهای او بر آراء دیگران هم با نهایت رعایت احترام است البته از برخی محققین بدون نام بردن از آنان یاد می‌کند و دیدگاههایشان را در ضمن بحثش آورده است مثلا از مصحح کتاب المقالات و الفرق - دکتر محمد جواد مشکور- به نام ذکری به میان نیاورده است ولی نظرات و دیدگاههای وی با نام مصحح کتب المقالات و الفرق آورده است (وداد القاضی، ۱۳۹۵: ۲۰-۲۳). علاقه مولف به نام بردن از محققین غربی و مطرح کردن تحلیل- هایشان بیشتر در متن کتاب حس می‌شود.

۴-۲-۳. خلاقیت‌های مولف درباره کیسانیه

از مهمترین مزایای پژوهش وداد القاضی بیان نکته‌های نو و طرح و ترسیم خلاقیت‌هایی درباره بخش‌های مبهم جامعه کیسانی است البته جسارت مولف در اظهار نظر در این مورد در نهایت در مواردی چنانکه در صفحات آتی همین مقاله خواهد آمد منجر به استنتاج‌های غلط هم شده است اما در مجموع نکات ظریف جالبی را درباره بخش‌های مبهم تاریخ کیسانیه مطرح کرده و ناگفته‌های زیادی را مطرح کرده است و خلاقیت‌های او در این تحقیق کم نیست. اقلا در مواردی زیادی ذهن مخاطب را به تدبیر در بعضی از حوادث و پیامدهای آن وامی‌دارد.

۴-۲-۴. ارزیابی صحت و سقم اشعار منسوب به شاعران کیسانی

مولف به بهترین نحو ممکن درباره اصالت و عدم اصالت اشعار کثیر عزه و سید حمیری بحث کرده و با تخصصش در ادبیات به خوبی از عهده آن برآمده است. وی جعلیات نسبت داده شده به سید حمیری از قرن چهارم و بخصوص از قرن ششم به بعد را با ریزبینی و دقت زیاد بررسی کرده است اشعاری که ابتدایش از سید و انتهایش جعلی هستند را با بیان انگیزه‌های جاعلان و بررسی نکته‌ها و رد پاهایی که جعل کنندگان از خود بر جای گذاشته‌اند را به بهترین نحو ممکن تحلیل کرده است. البته در این بخش و در بحث از شعر سید و در جایی که از حق موروث بنی العباس از دیدگاه

سید حمیری در آغاز خلافت آنان سخن رانده است (وداد القاضی، ۱۳۹۵: ۲۸۷) مولف به تاثیر احتمالی این اشعار بر اندیشه منصور عباسی مبنی بر مطرح کردن وراثت اعمام^۳ هیچ اشاره‌ای نکرده است، ولی تاکید دارد که زودتر از عهد محمد مهدی خلیفه عباسی بحث وراثت اعمام در شعر سید مطرح شده است. برداشت‌های اشتباه مولف در این باره بنظر جزئی است و در بخش‌های بعدی مقاله بدان اشاره شده است.

۴-۳. معایب کتاب

با وجود ارزشمند بودن کتاب و داد القاضی در مواردی که ذکر شد و دارا بودن تحلیل‌های خوب درباره پیدایش رونق و انحطاط کیسانیان مولف در مواردی دچار برداشت‌های اشتباه، گمان‌های غلط و یا روایات تحریف شده قرار گرفته است که در زیر به نمونه‌های از آن اشاره‌ای می‌شود؛

۴-۳-۱. فقدان ارزیابی درست از گرایش مذهبی مسعودی

با وجود بررسی دقیق گرایش‌های منابع چنانکه در بحث مزایای کتاب مطرح شد، در یک مورد وقتی در باره «مروج الذهب و معادن الجواهر» صحبت می‌کند وی را دارای گرایش‌های روشن شیعی امامی می‌یابد، زیرا وی به روایات ابی مخنف درباره مختار بسنده نکرده و روایت‌های دیگری را نیز افزوده (مسعودی، ۱۴۰۹: ۷۴/۳) که هدف برخی از آنها نشان دادن گرایش مختار به [امام] زین العابدین است (وداد القاضی، ۱۳۹۵: ۳۸) ولی واقعیت غیر از این است. مسعودی اگر چه دارای گرایش‌های شیعی است ولی به هیچ وجه شیعه امامی نیست. مسعودی معمولاً برای پیامبر (ص) عبارت صلی الله علیه و سلم و نه صلی الله علیه و آله و سلم را ذکر می‌کند (مسعودی، ۱۴۰۹: ۶۳/۳، ۵۱/۳) و برای ائمه هم عمدتاً واژه رضی الله عنه را به کار برده (همان، ۱۰/۴، ۸۵، ۲۷۸، ۳۰۹) چنانکه برای حضرت زهرا واژه سلام الله علیها به کار برده (همان، ۲۸۹/۲، ۳۰۱ و ۲۳۷/۳) و مصححین به اصطلاحات به کار رفته در متن اصلی نسخ اشاره دارند. احترام وی به خلفای نخستین (همان، ۳۱۲/۲، ۳۳۱، ۳۳۸) و نوع چینش مطالب شکی باقی نمی‌گذارد که وی امامی مذهب نیست. شاید به همین دلیل هست که نویسندگانی مثل زرین کوب وی را شافعی دانسته‌اند (زرین کوب، ۱۳۶۸: ۵۹۱) ایده و داد القاضی در باره این که امامیه روایاتی را ساختند تا ارتباط مختار با برادرزاده محمد بن حنفیه را مقدم بر ارتباط با خود او بدانند باعث شده تا نص صریح

کتاب «مروج الذهب» را که خلاف ایده‌اش هست تحت تاثیر تعصب مذهبی مسعودی بدانند و در همین راستا صاحب مروج الذهب را امامی معرفی می‌کند.

۴-۳-۲. واقعی دانستن عبدالله بن سبا و تاکید بر وجود فرقه سبئیه

یکی از ایرادهای جدی وارده بر کتاب کیسانیه حدس‌های نادرست مولف و تاکید وی بر درست بودن گمان‌هایش و ارائه برخی نظرات بر اساس همان گمان‌های خطا و نادرست است به طوری که بخش‌هایی از تاریخ کیسانیان و خلاءهای موجود در تبیین حوادث بر این اساس پاسخ داده شده است. و دادالقاضی عبدالله بن سبا را شخصیتی واقعی می‌داند و طرفدارانش را غالیان سبائیه نام نهاده است (وداد القاضی، ۱۳۹۵: ۸۱) او در این باره بحثی در پی نوشت‌ها آورده و افسانه‌ای بودن ابن سبا را با دلایلی غیر منطقی رد کرده است (همان، صص ۱۰۹-۱۱۰) در حالی که با وجود حضور غالیان در عهد مختار و پس از آن نمی‌توان سرمنشاء غلو و غالی‌گری را در اقدامات و برنامه‌های شخصی موهوم که معمولاً گفته می‌شود یهودی هم بوده است، دانست (صفری فروشانی، ۱۳۸۸: ۷۳-۷۵). واقعیت این است که افسانه عبدالله بن سبا بدین خاطر مطرح شده است که با مطرح شدن تقدس تمام اصحاب، برای برخی ملاحظه‌درگیری برخی از صحابه رسول خدا سخت بوده و برای توجیه جنگ و درگیری بین شخصیت‌های مطرح صدر اسلام اقدامات کسانی امثال عبدالله بن سبا را باعث درگیری دانسته‌اند و بدین صورت سعی کرده‌اند تمام صحابه را به دور از خطا و اشتباه نشان دهند. بعضی از محققان هم معتقدند عبدالله بن سبا وجود خارجی نداشته ولی عمار بن یاسر خصوصیات و ویژگی‌هایی داشته که با بیشتر اقدامات عبدالله بن سبا هماهنگ است در واقع اتهام زدن به عمار بن یاسر به واسطه مخالفتش با خلیفه سوم سخت بود زیرا روایات فراوانی از رسول خدا در مدح او وجود داشت ولی با نام عبدالله بن سبا مشکلی را ایجاد نمی‌کرد. (وردی، ۱۹۵۴: ۱۷۵) و دادالقاضی تحت تاثیر آراء اهل سنت و روایات سیف بن عمر از غالیان با نام سبائیه یاد می‌کند و صحبت از نام غالیان با این نام را خیلی بدیهی فرض کرده و در جای جای کتاب درباره آنها و تاثیرات اقداماتشان بر کیسانیه سخن می‌راند. او برای توجیه تکیه بر روایات سیف می‌نویسد؛ نباید همه روایات سیف را جعلی دانست (وداد القاضی، ۱۳۹۵: ۱۱۰) ولی از این نکته غافل است که بسیاری از اخبار سیف درباره عبدالله بن سبا که وی بر اساس آنها نظر داده، با شواهد و قرائن هماهنگ نیست. مورخین بزرگ قبل از طبری از وی- ابن سبا- یادی

نکرده‌اند و هم این که نسب وی معلوم نیست در حالی که اعراب یمانی و عدنانی بر نسب تاکید زیادی داشتند توجیه اختلافات برخی صحابه بزرگ متقدم از طریق این گونه افسانه‌ای امکان‌پذیر بود لقب سبئی و سبئی که دائم و داد القاضی درباره همفکران عبدالله بن سبا به کار می‌برد، قبل از قرن دوم هجری درباره اعراب یمانی جهت نسبت دادن آنها به سبا بن یثحب بن یعرب بن قحطان به کار می‌رفت. و داد القاضی معتقد است که در رساله حسن بن محمد بن حنفیه که پس از سال ۷۳ نگاشته شده، عبارت سبئی برای یاران مختار به کار رفته است (وداد القاضی، ۱۳۹۵: ۸۴) در حالی که مشخص نیست به چه دلیلی آنان به سبئی معروف شدند آیا حسن که از آنان متنفر شده بود ایشان را بدین نام می‌خواند و یا این که برای تحقیرشان و به جهت یمانی بودنشان و انتسابشان به سبا بن یثحب آنان را بدین نام می‌خواند.

۴-۳-۳. نسبت دادن برخی از عقاید افراطی کیسانیان به مختار

با این که مولف در جای جای کتاب اشاره دارد که کیسانیه با این نام بعد از مرگ مختار و قبل از مرگ محمد حنفیه توسط برخی هواخواهان او شکل گرفتند (وداد القاضی، ۱۳۹۵: به عنوان نمونه صص ۱۲۳ و ۱۲۴) و با وجودی که تذکر می‌دهد که بسیاری از جزئیات عقاید کیسانیه بعدا به این مذهب وارد شد و هم این که مخالفان مختار تهمت‌های زیادی را متوجه او کردند ولی باز هم بسیاری از این تهمت‌ها و بسیاری از عقاید افراطی کیسانیه را به خود مختار نسبت می‌دهد ادعای پیامبریت توسط مختار که از سوی مخالفان وی بدان دامن زده می‌شد را مطرح و آن را پذیرفته است (وداد القاضی، ۱۳۹۵: ۷۹) در حالی که قرائن آن را تایید نمی‌کند و شواهدی بر خلاف آن هم وجود دارد. آنچه را که مخالفان مختار درباره ادعای پیامبری وی مطرح کرده و مورد استناد قرار داده اند نامه او به احنف بن قیس است که در آن تصریحی به دعوی نبوت نیست. در نامه مختار آمده است؛ «... شنیده ام مرا دروغگو می‌نامید پیامبران را نیز قبل از من دروغگو می‌گفتند و من از بسیاری از آنها بهتر نیستم» (طبری، ۱۹۶۷: ۶۸/۶-۶۹) در همین راستا مولف تحت تاثیر تبلیغات مخالفان مختار بر ضد او وی را دارای نقشی کاهن، ساحر و پیشگو دانسته و بر اساس آن برخی از تندروی‌های کیسانیان را توجیه می‌کند.

از بسیاری از اخباری که حکایت از عقیده اعتدالی برخی از یاران عرب مختار و اعتقاد آنان به برحق بودن مختار و هماهنگ بودن وی با سیره علی(ع) دارد چشم پوشی

نموده است، مثلاً سخنان عبدالله بن عمرو نه‌دی در آخر نهضت مختار را ذکر نکرده است. عبدالله معتقد بود نهضت مختار بر حق و پیکار به طرفداری از او شبیه جنگ صفین به طرفداری از علی است وی پس از شکست یاران مختار در جنگ با نیروهای مصعب می‌گفت با همان نیتی که در صفین از علی حمایت می‌کردم در اینجا هم می‌جنگم (طبری، ۱۹۶۷: ۱۰۰/۶) و به پیکارش ادامه داد تا کشته شد. در واقع متونی که تایید کننده دیدگاهش هست را به خوبی از هر نوعی باشد مطرح و تفسیر می‌کند و در مواردی مثل مورد فوق مورد بی توجهی قرار گرفته است.

۴-۳-۴. فرضیه‌های غیر منطقی، حدس‌ها و گمان‌های اشتباه

مؤلف در ابتدای کتاب می‌نویسد؛ «در نبود شواهد گریزی از حدسیات منطقی و معقول نیست» (وداد القاضی، ۱۳۹۵ ص: ۱۴) و در همین راستا برای پر کردن برخی خلاءها حدس‌های عجیبی می‌زند که رهبر سیاسی خاصی برای طرفداران مختار پس از مرگ وی دست و پا کند، وی از سکوت منابع درباره سرنوشت ابوعمره کیسان استفاده کرده و وی را هدایت کننده یاران مختار پس از کشته شدن او می‌داند که در موصل جمع شده و دنبال برنامه‌هایشان بودند ولی واقعیت این است که زنده ماندن کیسان که از طرفداران دوآتشه مختار بود در جنگ‌هایی متعددی (مسعودی، ۱۴۰۹: ۹۸/۳) که منجر به سقوط حکومت او شد عجیب به نظر می‌رسد ضمن این که چطور می‌توان تصور کرد که بعد از جنگ‌های بسیار هم که شش هزار نفر به قصر پناه بردند (دینوری، ۱۳۶۸: ۳۰۸)، کیسان که رئیس شرطه مختار بود به قصر پناه نبرده باشد و مثل بقیه گردن زده نشده باشد. از طرفی آیا اشراف عرب و فرزندان آنان مثل عبدالرحمن بن محمد بن اشعث که یاران مختار و مخصوصاً عجم‌ها را باعث و بانی بدبختی شان می‌دانستند و مصعب را وادار به کشتن تمام شدگان یاران مختار کردند (طبری، ۱۹۶۷: ۱۱۶/۶) اجازه می‌دادند که کیسان که در راس هزار ایرانی خانه‌هایشان را خراب کرده و اموالشان را برداشته (دینوری، ۱۳۶۸: ۲۹۲) و در واقع از مسببین در بدری شان بود، راحت به حیاتش ادامه دهد. حتی مثلی درباره خانه‌ای که ابوعمره به آن خانه وارد شد ساخته شد و کنایه از خانه‌ای بود که اهل آن بدبخت و دربدر شدند (اشعری قمی، ۱۳۶۰: ۱۶۶ تعلیقات دکتر مشکور) و در همین راستا حتی در شعری شاعر، ابوعمره کیسان را از شیطان بدتر می‌داند (مجلسی، ۱۴۰۴: ۳۴۵/۴۵) و این خود نشان از ترس و وحشت اشراف عرب کوفه از ابوعمره کیسان بود با این وضع آنان چگونه

اجازه می‌دادند که وی زنده باشد و برنامه‌های افراطی را دنبال کند و به نصیبین برود و به فکر تشکیل حکومت هم باشد. در مواردی که می‌توان گمانهایی شبیه حدس‌های و دادالقاضی را مطرح کرد مثلاً در شعر سید حمیری درباره بقاء خلافت عباسی و مدح منصور آمده است؛ «...خداوند ملکی به شما داد که زوال ناپذیر هست و ادامه خواهد داشت تا این که پادشاه چین نزد شما بیاید» (وداد القاضی، ص ۲۸۶ به نقل از دیوان سید حمیری) با توجه به حرکت هلاکو خان مغولان برای نابودی عباسیان در سال ۶۵۱ از پکن می‌توان چنین استنباط کرد که این شعر بر اساس واقعیات رخ داده بعد از سقوط عباسیان سروده شده و به سید حمیری در قرن دوم هجری نسبت داده شده است.

۴-۳-۵. نقد نظر مولف درباره وجه تسمیه کیسانیان

به نظر می‌رسد نام کیسانیه هم بیشتر از آن که به رهبری ابوعمره بر یاران مختار پس از کشته شدنش مربوط باشد به طعنه اشراف عرب کوفه بر ماهیت قیام و طرفداران مختار مربوط باشد. آنان عجم را تحقیر می‌کردند و مختار را کذاب می‌خواندند (طبری، ۱۹۶۷: ۱۱۶/۶) و عرب شیعه کوفه را بابت همراهی با عجمان سرزنش می‌نمودند (ابن اثیر، ۱۳۸۵: ۲۶۹/۴). بعد از مرگ مختار هم برای توجیه قتل عام یارانش و هم برای طعنه زدن به عملکردشان و یادآوری افراطی بودن آنها، نام کیسان را بر همه اشان اطلاق کردند تا همه هواخواهان مختار را متعصب و افراطی و به شدت ضد عرب نشان دهند و تبلیغات وسیعی در این زمینه به راه انداختند تا این ذهنیت شکل بگیرد شبیه آنچه مخالفان فاطمیان درباره عقاید اسماعیلیه تبلیغ می‌کردند و همه آنان را قرمطی می‌نامیدند و یا مخالفان زرتشتیان که از روی طعنه و برای تمسخر همه آنان را مجوسی می‌خواندند و این شیوه همواره در طول تاریخ از شگردهای نیروها و گروههای فاتح بوده است.

۴-۳-۶. تناقض مطالب مولف با واقعیات تاریخی

مولف در ضمن بحث از اقدامات مختار در مجازات قاتلان امام حسین (ع) می‌نویسد؛ «از جمله این ماموریت‌ها که اهمیت نمادین بسیار دارد ماموریت قتل عمر بن سعد و پسرش حفص بود این عمر بن سعد فرمانده لشکری بود که به جنگ حسین (ع) رفت و او را کشت سر این دو نفر تنها سرهایی بود که برای ابن حنفیه ارسال شد...» (وداد

القاضی ، ۱۳۹۵: ۵۶) در حالی که بنا به نقل منابع سرهای دیگری هم برای محمد بن حنفیه ارسال شد سر عبیدالله بن زیاد (بلاذری ، ۱۳۹۷: ۲۸۷/۳ ؛ ابن حجر عسقلانی ، ۱۴۱۵: ۲۷۷/۱) و سر شمر بن ذی الجوشن (دینوری ، ۱۳۶۸: ۳۰۵ ؛ مقدسی ، بی‌تا: ۲۱/۶) از جمله دیگر سرهایی بود که برای ابن حنفیه ارسال شد. همچنین مولف اخلاص مختار را در پذیرفتن شفاعت نزدیکترین یارانش درباره قاتلان امام حسین (ع) را در بحث سرسپردگی ابوعمره کیسان به گونه ای مطرح کرده است که گویا وی این رسم عرب را می‌خواست رعایت کند و برای خلاص شدن از شر عواقب آن این ماموریت را به ابوعمره کیسان واگذار کرد (وداد القاضی ، ۱۳۹۵: ۵۶) طبیعتاً با این نوع عملکرد مختار بن ابوعبید ، مذمت اعراب بر وی که پناهنده را پذیرفته بود ، از بین نمی‌رفت. در واقع مختار عملاً با این کار ، این نوع سرزنش‌ها را به جان می‌خرد و برای او خونخواهی همه جانبه از همه قاتلان حسین بن علی (ع) مهمتر از رسوم عهد جاهلی عرب بود و ودادالقاضی بنا بر تعریفی که از شخصیت مختار و دولتش دارد به گونه ای خاص اقدام وی را تفسیر می‌کند که منطقی به نظر نمی‌رسد. مولف می‌نویسد ؛ « سید حمیری ... یگانه منبعی است که موضوع خواب علی بن ابیطالب به جای پیامبر در شب هجرت به مدینه را نقل کرده است» این در حالی است که عموم منابع این واقعه را ذکر کرده اند مفسران در تفسیر آیه «و من الناس من یشری ...» (آیه ۲۰۷ بقره) و سیره نویسان و تاریخ نویسان در ذکر وقایع مربوط به هجرت رسول الله از مکه به مدینه مفصل بدان پرداخته اند (طبری ، ۱۹۶۷: ۱۹۶/۲ ؛ ابن جوزی ، ۱۴۱۲: ۱/۳) . مولف دلیل این که سید حمیری در اشعارش به سعد ابی وقاص دشنام داده است را این می‌داند که وی در سقیفه به ضرر علی (ع) موضعگیری کرده است (وداد القاضی ، ص ۲۶۷) در حالی که سعد اصلاً در سقیفه حضور نداشت و در آنجا فقط تنها چهار یا پنج تن از مهاجران حضور داشتند^۵ مگر این که بگوییم سعد نسبت به انتخابی که در سقیفه صورت گرفت - پس از انتشار خبر - خشنود بود و سید حمیری از این بابت در شعرش به وی دشنام داده است و یا این که عملکرد سعد در دوران خلافت علی (ع) دلیل موضعگیری‌های سید بوده است.

۴-۳-۷. بزرگ‌نمایی فرقه‌های غالی کیسانی

مولف از برخی فرقه‌های غالی کوچک منشعب شده از کیسانیه مثل حمزه بن عماره بربری و یا بیان بن سمعان و یا عبدالله بن معاویه یا عبدالله بن عمرو بن حرب (وداد

القاضی ، ۱۳۹۵: ۱۲۶ ، ۱۷۲ ، ۱۸۹ ، ۱۹۱ ، ۱۹۳) به گونه‌ای صحبت می‌کند که خواننده تصور می‌کند فرقه و مذهب پرطرفداری بوده است و بخش زیادی از کیسانیان را در بر می‌گرفته در حالی که انعکاس آن در منابع این گونه نیست. سخنان غالبانه این افراد هیچ گاه اکثریت کیسانیه را در بر نگرفت و معمولاً تعداد معدودی از کیسانیان به این افراد می‌پیوستند و پس از فروکش کردن هیجان اولیه همانها هم از اطراف رهبر غالی پراکنده می‌شدند.

۴-۳-۸. فقدان بررسی دقیق اخبار مربوط به سخنان امام علی(ع) درباره محمد بن حنفیه

نگارنده در بحث از «نگاه امامیه به عقاید کیسانیه» به جواب‌های امامیه به ادعاهای کیسانیه درباره امامت محمد بن حنفیه پرداخته است و در یک مورد نظر کیسانیان درباره نص و امامت محمد حنفیه و استنباط آن از سخن علی(ع) به محمد حنفیه که «تو برستی پسر منی» جواب شیخ مفید را ذکر کرده است (ودادالقاضی، ۱۳۹۵: ۲۲۹). وداد القاضی به زمینه تاریخی و فضای صدور این کلام امیرالمومنین(ع) خطاب به فرزندش محمد هیچ اشاره‌ای نکرده است واقعیت این است که در ابتدای نبرد جمل محمد علی‌رغم دستور پدرش مبنی بر حمله به دشمن به علت باران تیر لشکریان جمل از حمله خودداری کرد تا کمی شدت تیراندازی کاهش یابد و برای همین دستور پدرش را برای بار دوم هم نادیده گرفت و چون ابوالحسن ترس وی را مشاهده کرد به سوی فرزندش محمد آمده و پرچم را از وی گرفت و گفت «رگه ترسی است که از مادر به تو رسیده است» (مسعودی ، ۱۴۰۹: ۳۶۶/۲) و خود به قلب سپاه دشمن تاخت پس از آن که حمله نمایانی داشت درفش را به محمد وا گذاشت و به وی گفت سستی حمله اول را با حمله دوم محو و نابود کن و این گروه انصار با تو خواهند بود (ابن ابی الحدید ، ۱۳۳۷: ۲۴۵/۱) و محمد شجاعت بسیار از خود نشان داد تا جایی که افرادی از انصار - خزیمه بن ثابت - در حمایت از وی و ستایش و دلیریش شعر سرودند (ابن ابی الحدید ، ۱۳۳۷: ۲۴۵/۱) و امام هم به جهت دلجویی از وی گفت ؛ «تو به راستی فرزند منی» برخی از منابع در همین راستا می‌نویسند که محمد از پدرش گله کرد که وی را در معرض سرنیزه‌ها و شمشیرهای دشمن قرار می‌دهد و حسن و حسین را در معرض تیغ دشمن قرار نمی‌دهد امام به وی جواب داد که تو فرزند منی و حسین فرزندان پیغمبرند (زرین کوب ، ۱۳۶۹: ۱۳۹) در همین رابطه امام در قیاس محمد با حسن و حسین می‌فرماید ؛ «ستاره کجا با خورشید و ماه می‌تواند برابری کند (ابن ابی

الحدید ، ۱۳۳۷: ۱/۲۴۵) و دادالقاضی به این سخن امام و تحلیل و یا نقد آن اشاره‌ای ندارد. و داد القاضی از برنامه محمد حنفیه برای رفتن به کوفه برای رهایی یاران مختار از انحرافی که او بدان دامن می زد هم یاد کرده است (وداد القاضی ، ص ۶۷) در حالی که بررسی زندگی محمد و عملکرد سیاسی وی نشان می دهد که اهل وارد شدن به این مناقشات نبوده است و بعید است چنین اندیشه ای در سر پرورنده باشد (بهرامی ، ۱۳۹۴: ۲۲۲) برخی از منابع هم تصریح کرده اند که وقتی سپاهیان مختار برای نجات او به مکه رفتند ، بدانان گفت؛ « هر کس خدا را بر خود دارای حق می بیند شمشیرش را در نیام کند مرا نیازی به حکومت بر مردم نیست اگر با آشتی و سلامت حکومت به من داده شود می پذیرم و اگر ناخوش بدانند هرگز با زور حکومت بر ایشان را به چنگ نمی آورم» (ابن ابی الحدید ، ۱۳۳۷: ۲۰/۱۲۴)

۴-۳-۹. ارزیابی دیدگاه و داد القاضی درباره تعامل امامیه و کیسانیه

درباره تلاش‌های امامیه برای انکار امامت محمد بن حنفیه مولف نسبتاً مفصل بحث کرده و گزارشهای زیادی را ذکر کرده است که شامل روایاتی از زبان ابوخلد کابلی در این باب از کتاب الغیبه طوسی می باشد همچنین استدلال‌هایی از زبان شیخ مفید در کتاب «فصول المختاره» نقل کرده است که منطقی‌تر به نظر می‌رسد. روایات درباره مرگ محمد بن حنفیه اختصاصی به منابع امامی ندارد و در منابع غیر کلامی و در منابع غیر امامی هم بدان اشاره شده است (دینوری ، ۱۳۶۸: ۳۰۹) و نیازی نبود تا امامیان در این باره خود را به زحمت اندازند آنگونه که مولف بر آن اصرار می‌ورزد. مولف در مواردی روایات شاذ و نادری در برخی منابع امامیه پیدا کرده و آن روایات را دلیل بر تلاش بسیار امامیه برای تبلیغ بر ضد کیسانیه دانسته است و یا تلاش برای مبارزه با برخی از عقاید کیسانیه دانسته که در ارزشهای دینی امامی‌ها خلل ایجاد می‌کرده است. او معتقد است آنچه امامیه را بدان جعلیات و می‌داشت تضاد و تعارض برخی عقاید کیسانی با عقاید امامی بوده است نکته قابل ذکر در این باره این است که بعید است امامیه در قرن چهارم به بعد که کیسانی‌ها برای ایشان خطری نداشته و از بین رفته‌اند چنین تلاش‌هایی را انجام داده باشند. درست است که همان گونه که مولف ثابت کرده است ، برخی بزرگان کیسانی هیچ‌گاه امامی نشده‌اند ولی لاقلاً شواهد تاریخی پیوستن گروههایی از مردم عادی کیسانی به دیگر گروههای شیعی - پس از بحرانهای فکری در درون کیسانیه - و از جمله امامیه را تایید می‌کند. و دادالقاضی از جمله

دلایلی که بر امامی نشدن سید حمیری ذکر می‌کند یکی هم این است که او در رثای نفس الزکیه و دیگر قیام کنندگان عهد اول عباسی شعری نسروده است (ودادالقاضی، ص ۲۸۵) ولی این دلیل وی منطقی به نظر نمی‌رسد نفس الزکیه با امام صادق(ع) درباره قیام بر ضد عباسیان دچار اختلاف نظر شده و امامی نبود او و پدرش با امام صادق میانه خوبی نداشتند و قطعاً امامی محسوب نمی‌شوند. در بحث از تعامل کیسانیه و امامیه مولف تاکید دارد که برخی اشعار «کیسانی مسلک» سید حمیری بعد از شهادت امام صادق(ع) سروده شده و او نمی‌تواند توسط آن امام به مذهب امامی رهنمون شده باشد و بحث «تجعفر» یا همان جعفری شدن او بی معنی است و از همین جا جعلی بودن آن آشکار است (وداد القاضی، ص ۲۷۲). دلایل او برای جعلی بودن برخی اشعار منسوب به سید منطقی به نظر می‌رسد ولی این را هم باید در نظر داشت که یکی دیگر از نامهای مذهب امامی از همان دوران امام صادق(ع)، مذهب جعفری بوده است.

۴-۳-۱۰. ارزیابی نظرات مولف در باب «غیبت» و «رجعت»

در بحث از غیبت نیز مولف می‌توانست به استنتاج‌های دیگری غیر از آنچه بدان رسیده است برسد و داد القاضی سعی دارد بحث مهدی منتظر را غالیانه و حاصل رویا پردازی کیسانیان پس از وفات محمد بن حنفیه بداند (وداد القاضی، ص ۱۳۵) و از تاثیر گذاری آن بر سایر فرقه‌ها مثل زیدیه و امامیه صحبت کند ولی می‌توان کثرت روایات درباره ظهور مهدی منتظر را به گونه‌ای دیگر هم تحلیل کرد که وجود این همه روایات در بین کتب مختلف تمام فرق اسلامی^۱ حاکی از تاکید رسول خدا(ص) بر ظهور مهدی منتظر در آخرالزمان است و فقط برای پیدا کردن مصداق واقعی مهدی، مذاهب اسلامی دچار اختلافی شده‌اند. در واقع یکی از اولین افرادی که برای مهدی مطرح شده، مصداق پیدا کرده مختار و یکی از نخستین مذاهبی که بدان دامن زدند، کیسانیه بودند. شرایط جهان اسلام و جنگها و هرج مرج داخلی و درگیری‌های آل زبیر و آل امیه و ناامنی‌ها هم در رشد این حس که شرایط برای ظهور مهدی فراهم شده است، موثر بود. این که کیسانیان چگونه توانستند مبحث مهدویت اختراعی! خود را در بین همه فرق توسعه دهند^۲، بی‌پاسخ رها شده است. برداشت دقیق تر و جامع تری از اندیشه غیبت و مهدویت در بین کیسانیه در آثار برخی محققان داخلی در سالهای اخیر مطرح شده است (بهرامی، ۱۳۹۴: ۲۰۳-۲۴۶) همچنین مولف با استناد رساله ارجاء حسن بن محمد بن حنفیه پیدایش رجعت را برای اول بار به کیسانیه پس از مرگ مختار نسبت می‌دهد

در حالی که رجعت منشاء قرآنی دارد (سوره نمل، آیه ۸۳) و برخی از تفاسیر نیز در این باره توضیحات بیشتری را ارائه کرده اند. بیشتر، شرایط کیسانیه در آن دوران باعث شده تا بدان دامن زنند و در بین عموم طرفدارانشان مطرح کنند نه این که ایده رجعت را به عنوان یک بدعت به وجود آورده و باعث ایجاد انحراف در دین شده باشند. همچنین تلقی و برداشت برخی فرق کیسانی از رجعت متفاوت از تاکید قرآنی آن بود.

۵. نقد و تحلیل رویکرد کلی کتاب

در مجموع کتاب کیسانیه و داد القاضی بهترین کتابی است که یک مستشرق درباره این فرقه شیعی نوشته است و نسبت به مقالات و آراء دیگر مستشرقان درباره کیسانیان اهمیت و ارزش خیلی بیشتری دارد و مخصوصاً نسبت به سایر آثار از جامعیت خاصی درباره موضوع مورد بحث برخوردار است آگاهی از دیدگاههای مستشرقان و نکات نظرات بکر و ارزنده آنان برای جامعه دانشگاهی ما بسیار ضروری و مهم است بررسی انتقادی این تالیف سترگ می تواند راه را برای استفاده بهینه از آن فراهم کند. از طرفی ضعف کلی مدنظر در آثار مستشرقان و بررسی نهضت و فعالیت‌های کیسانیه بر اساس فقط شواهد عقلی و اسناد در این کتاب هم مشهود است هر چند از یک مستشرق بیش از نمی توان و نباید انتظاری بالاتر داشته‌مچنین مولف به آراء فکری و جریان‌شناسی کیسانیه آن چنان که باید و شاید نپرداخته است. برای پوشش برخی ضعف‌های کتاب و یا دیدن برداشت‌هایی دیگر از فعالیت‌ها و تأثیری گذاری کیسانیه می توان به پژوهش‌های داخلی در این زمینه و از جمله اثر ارزشمند روح الله بهرامی با عنوان «کیسانیه؛ جریان‌های فکری و تکاپوهای سیاسی» مراجعه کرد که با تعریفی متفاوت از کیسانیه به تأثیر کیسانیه بر نهضت عباسیان هم پرداخته - مبحثی که و داد القاضی در کتابش آن را مربوط به کیسانیه^۱ ندانسته است - و هم برداشتی دیگر از معانی متفاوت مهدویت، غیبت و رجعت را ارائه داده است.

۶. نتیجه‌گیری

کتاب «کیسانیه در تاریخ» تالیف و داد القاضی اثری مهم در زمینه کیسانیه محسوب می‌شود و مولف از منابع اصلی و متقدم‌ترین بهره را برده از نقطه نظرات محققان معاصر خصوصاً مستشرقان هم بهره‌های فراوان برده است، هر چند از بررسی برخی دیدگاه‌های محققان شرقی در این باره غفلت کرده است. شاید کمتر پژوهشی در این

زمینه به اندازه این اثر نکته‌های نو و تحلیل‌های تازه ارائه داده است با وجود این مولف برای بررسی و روشن نمودن ابهامات کیسانیان در دوره‌های مختلف و بررسی تطور عقایدشان در مواردی ناچار شده است که به حدس و گمان روی آورد و در برخی موارد این گمانها از واقعیت دور است و با شواهد و قرائن تاریخی هماهنگی ندارد درباره دلیل نامگذاری کیسانیه از سوی مخالفان بدین نام و هم درباره رهبر کیسانیان پس از کشته شدن مختار و نیز درباره تمییز دادن اقدامات غالیان کیسانی از اقدامات خود مختار و هم در بزرگ‌نمایی اقدامات غالیان و انشعابات درونی آنان تحت تاثیر برخی گمانها و همچنین بعضی روایات جعلی بر خطا رفته است و داد القاض درباره سبیه و عبدالله بن سبا در جای جای کتابش به گونه‌ای صحبت کرده است که از بدیهیات تاریخی هست در حالی که برخی محققان معاصر به حق درباره وی و فرقه منسوب به او تردیدی‌های جدی داشته و دارند و مهمتر این که محور برخی از استدلال‌های او اقدامات گروه سبیه در دوره‌های مختلف هست. در مواردی مولف همه مواد تاریخی منابع را درباره برخی موضوعات مورد کنکاش قرار نداده است درباره سخنان امام علی (ع) درباره فرزندشان محمد بن حنفیه و هم درباره تحلیل آن از بسیاری از فقرات مهم چشم پوشی نموده است و درباره بحث رجعت، غیبت و مهدویت هم از بررسی روایی و قرآنی موضوع خوداری ورزیده و کنکاش لازم در این زمینه را انجام نداده است و تنها به بحث سیر تاریخی پیدایی آن در بین کیسانیان و سیر تطور در مفاهیم آن و مصادیق تاریخی اش بسنده کرده است.

پی‌نوشت

- ۱ البته پایان‌نامه دکتری وی بیشتر اثری تاریخی - ادبی است و با عنوان رشته او (ادبیات عرب و مطالعات اسلامی) همخوانی دارد.
- ۲ مقاله وزین مادلونگ درباره کیسانیه در دائره المعارف اسلام به زبان انگلیسی توسط بنده ترجمه و در فصلنامه انجمن تاریخ پژوهان شماره یازده (پاییز ۱۳۸۶) به چاپ رسیده است.
- ۳ بحث وراثت اعمام را که در نامه‌های منصور به نفس الزکیه مطرح شد و در دوران خلافت فرزندش مهدی ایده رسمی عباسیان شد را به بهترین وجهی دکتر محمد حسن الهی زاده در مقاله‌ای تحت عنوان « جستاری در وراثت اعمام و وراثت بنات » در فصلنامه تاریخ اسلام، دانشگاه باقرالعلوم قم، شماره ۱۰ تابستان ۱۳۸۱ به چاپ رسانده است.
- ۴ روایات رسول خدا (ص) درباره برحق بودن عمار آنقدر معروف و مشهور بود که عده‌ای در صفین به دنبال عمار بودند تا بر اساس عملکرد او و همراه بودن با او از گروه برحق جدا

نباشند ر.ک؛ نصر بن مزاحم؛ وقعه صفین، ص ۳۳۵ برای آگاهی از تحلیلی جالب از ابن ابی الحدید در این باره ر.ک؛ ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۸ ص ۱۷

۵ هیچکدام از منابع از حضور سعد بن ابی وقاص یاد نکرده‌اند و از مهاجرین از ابوبکر، عمر، ابو عبیده جراح و سالم مولای ابو حذیفه و جماعتی از قریش یاد شده است ر.ک، ابن عبدالبر، الاستیعاب، ج ۴ ص ۱۶۴۹ و ابن اثیر الجزری، اسد الغابه ج ۵ ص ۱۰۳. اگر ابن ابی وقاص حضور می داشت با توجه به اهمیت و جایگاهش در دوران صدر اسلام قطعاً به نام از وی یاد می شد.

۶ مجموعه‌ای از انواع منابع غیر شیعی که بحث روایات مهدی منتظر را نقل کرده و حتی مصداقش را محمد بن حسن العسکری دانسته‌اند توسط دکتر محمد تیجانی تونسسی جمع‌آوری شده‌اند ر.ک؛ همراه با راستگویان، تالیف محمد تیجانی تونسسی، ترجمه محمد جواد مه‌ری ص ۴۱۰.

۷ خود و داد القاضی به رواج اندیشه مهدویت در بین متمم فرق اسلامی به طور ضمنی اشاره می‌کند. ر.ک؛ و داد القاضی، کیسانیه ص ۱۵۰.

۸ تعریف و داد القاضی از کیسانیه در صفحات قبلی مقاله آمده است.

کتاب‌نامه

قرآن کریم

- ابن ابی الحدید، عبدالحمید بن هبه الله (۱۳۳۷). شرح نهج البلاغه، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، جلد ۱ و جلد ۲۰، چاپ اول، قم: ناشر کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی.
- ابن اثیر الجزری، ابوالحسن علی (۱۹۶۵/۱۳۸۵). الکامل فی التاریخ، جلد ۴، الطبعة الاولى، بیروت: دارالصادر.
- ابن اثیر الجزری، ابوالحسن علی (۱۴۰۹). اسد الغابه فی معرفه الصحابه، جلد ۵، بیروت: دارالفکر.
- ابن جوزی، عبدالرحمن بن علی (۱۴۱۲). المنتظم فی تاریخ الامم و الملوک، تحقیق محمد عبدالقادر عطا و مصطفی عبدالقادر عطا، جلد ۳، الطبعة الاولى، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی (۱۴۱۵). الاصابه فی معرفه الصحابه، تحقیق عادل احمد عبدال موجود، جلد ۱، الطبعة الاولى، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- ابن عبدالبر، ابو عمر یوسف بن عبدالله (۱۴۱۲). الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، تحقیق علی محمد البجاوی، جلد ۴، بیروت: دارالجلیل.
- اشعری قمی، سعد بن عبدالله (۱۳۶۰). المقالات و الفرق، چاپ دوم، تهران: علمی و فرهنگی.
- الهی زاده، محمد حسن (۱۳۸۱). «جستاری در وراثت اعمام و وراثت بنات»، فصلنامه تاریخ اسلام، دانشگاه باقرالعلوم.
- بلاذری، احمد بن یحیی (۱۴۱۷). انساب الاشراف، تحقیق سهیل زکار و ریاض زرکلی، جلد ۳، الطبعة الاولى، بیروت: دارالفکر.

- بهرامی، روح الله (۱۳۹۴). کیسانیه، جریانهای فکری و تکاپوهای سیاسی، چاپ اول، تهران: پژوهشگاه تاریخ اسلام.
- تیجانی تونس، محمد (۱۳۸۹). همراه با راستگویان، ترجمه محمد جواد مهری، چاپ هفدهم، قم: بنیاد معارف اسلامی.
- دینوری، ابوحنیفه احمد بن داود (۱۹۶۰). اخبار الطوال، تحقیق عبدالمنعم عامر، مراجعه جمال الدین الشیال، مصر: وزارة الثقافة الاسلامیه.
- زرین کوب، عبدالحسین (۱۳۶۹). بامداد اسلام، چاپ ششم، تهران: امیرکبیر.
- زرین کوب، عبدالحسین (۱۳۶۸). تاریخ مردم ایران، جلد ۲، چاپ دوم، تهران: امیرکبیر.
- صفری فروشانی، نعمت الله (۱۳۸۸). غالیان، چاپ دوم، مشهد: بنیاد پژوهشهای آستان قدس رضوی.
- طبری، ابوجعفر محمد بن جریر (۱۳۸۷/۱۹۶۷). تاریخ الطبری، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، جلد ۲ و جلد ۶، الطبعة الثانية، بیروت: دار التراث.
- قمی، حسن بن محمد (۱۳۶۱). تاریخ قم، ترجمه حسن بن علی قمی، تحقیق سید جلال الدین تهرانی، چاپ اول، تهران: توس.
- مادلونگ، ویلفرد (۱۳۸۶). «کیسانیه»، ترجمه علی اکبر عباسی، فصلنامه انجمن تاریخ پژوهان. ناشر انجمن تاریخ پژوهان.
- مجلسی محمد باقر (۱۴۰۴). بحار الانوار، جلد ۴۵، بیروت: موسسه الوفاء.
- مجهول المؤلف (۱۳۹۱). اخبار الدوله العباسیه، تحقیق عبدالعزیز الدوری و عبدالجبار المطلبی، بیروت: دار الطلیعه.
- مسعودی، ابوالحسن علی بن حسین (۱۴۰۹). مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق اسعد داغر، جلد ۲ و جلد ۳، چاپ دوم، قم: دارالهجره.
- مفید، محمد بن محمد بن نعمان (بی تا). الارشاد، ترجمه سید هاشم رسولی محلاتی، جلد ۲، چاپ دوم، تهران: اسلامیة، چاپ دوم.
- مقدسی، مطهر بن طاهر (بی تا). البدء و التاریخ، تحقیق بورسعید، جلد ۶، [بی جا] مکتبه الثقافه الدینیة.
- منقری، نصر بن مزاحم (۱۴۰۴). وقعه صفین، مصحح عبدالسلام محمد هارون، قم: منشورات مکتبه المرعشی النجفی.
- وداد القاضی (۱۳۹۵). کیسانیه (تاریخ ادبیات)، ترجمه احسان موسوی خلخالی، چاپ اول، تهران: انتشارات کتاب رایزن.
- وردی، علی (۱۹۵۴). وعاظ السلاطین رای فی تاریخ الفکر الاسلامی فی ضوء المنطق الحدیث، بغداد: کلیه الآداب و العلوم.